دعهم كدم طب سفال آن جمعت سي ماستد انعاق مالني رخ ي دهد ومتى آهناجات دادهى سود عقربة المبرسج متون مى ود وسان می هدد حرایی در سی بوعدد آمنده است الد آهزار است مبعد وي عدلت نامدارهم عسقيد المرسي عنوف معاسعة الراهندارا ارسی دور کسنم عقد به دبلرهار مهنره نامی سفود اما در سوی مخالف ب ان مین در حرفان در سور دهم ت خالف ب معودا مره است ad is de see l'aid! rapade millo idradica ع مانلونه دسترح داره سد انجام می سد اماحیث انخلامت عقدید آسرسانی عدون می سند آرساس بیشترسان می دید که آنخماهمی دارد میلت آ هندارسی سنت به بلدبلولست منعی سفی کند که اهنریا سوی سی یاسی بسوی ا مرباهات کود. حبطانی دراین آزمایش برمه ودمی اید مربان المایی نامیدمی سنود معانوی محرد اللزملی الماني افيادي ستود توه کسند در داردانزي وه ود دارد از ازماس - هایی ساسدای انهاش عالای تواست ملف کی برست اور ر

بادون لىز:

مه بت مبریان الما یی در مار در همتی است در میرا مقاطسی ما میران می الفت می لند. مامل از از منافت می لند.